جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
یک‌شنبه اول آذر ۱۴۰۵ - ۱۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۷۵۳ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان



پرتابگر۲ موشکی با قابلیت حمل و شلیک
با حضور فرمانده کل سپاه رونمایی شد

نابودگر و ترسناک بازمی‌گردیم!

سردار سید مجید موسوی، فرمانده هوافضای سپاه در بازدید فرمانده کل سپاه از یک شهر موشکی حرف آخر را به دشمن زد: «توانمندی‌های ما در حد فاصل هر دو جنگ افزایش پیدا کرده؛ شگفتانه‌ها و محصولات کارآمدی از جنس مرعوب‌کننده و منهزم‌کننده در سازمان رزم ما شکل گرفت». سرلشکر وحیدی نیز گفت: «تمامی کشورهای ناتو علیه ایران بودند اما به‌اذن خدا نتوانستند پیروز شوند». پیام این بازدید و سخنان روشن است: این‌بار اگر جنگی صورت گیرد، نابودگر و ترسناک بازمی‌گردیم!

| صفحه ۲

خطرناک‌ترین شب در بی‌ثبات‌ترین «دو ماه» هرمز

سرپرست وزارت نیروی دریایی امریکا:
ناوگان ما تحت فشار شدید است | صفحه ۱۱

روسیه «روم سوم» است یعنی چه؟!

تحلیلی بر سخنان تازه پوتین
و مسئله جنگ تمدن‌ها و جنگ غرب علیه ایران

● غلامرضا صادقیان | سردبیر



پوتین دیروز یک رجز کامل ژئوپلیتیک و فلسفی خواند و جهان غرب را تلویحاً «سکولاریسم ستیزه‌جوی منحط» و روسیه را «کشتی نجات» نامید (که لابد جنگ میان این دو خاموش‌شدنی نیست)، آن‌هم دقیقاً یک روز پس از بازگشت از نشست سه‌جانبه با سران چین و امریکا. این سخنان برای درک آینده‌ی جهان و مناسبات میان قدرت‌ها و حتی سرنوشت جنگی که غرب با ایران آغاز کرده مهم است. به‌ویژه آن‌که عده‌ای در ایران مرتب «صلح، صلح» می‌کنند با این گمان خام که صلح چیزی است که اولاً مثل خرید سیگار، فوری و دم‌دست است و ثانیاً اگر صلح نمی‌شود، تقصیر ایران است و ثالثاً جهان و بشر در ذات خود صلح‌جو است. چند سال پیش و قبل از جنگ‌های کنونی جهان یک استاد دانشگاه با همین تصورات خام گفته بود که «بشریت به چنان پختگی و بلوغی رسیده است که دیگر وارد جنگ‌های بزرگ ویرانگر نمی‌شود» و حرف خود را معطوف به چیزکی به نام «اتحادیه‌اروپا» می‌کرد که حقیقتاً خام و ساده‌لوحانه بود. اکنون باید دید در ذهن سران قدرت‌ها چه می‌گذرد تا فهمید که دنیا چه آینده‌ای را در حال ترسیم است. پوتین در یک گفت‌وگوی برنامه‌ریزی‌شده، مفهوم تاریخی «مسکو، روم سوم است» را زنده کرد و این بار فراتر از آن ادعای هویتی کهن، روسیه را «کشتی نجات» کسانی دانست که می‌خواهند ارزش‌های سنتی و دینی خود را حفظ کنند. روسیه و دین؟! کسانی حتماً با شگفتی می‌پرسند این مگر همان بخش باقی‌مانده از شوروی که پیشاهنگ مبارزه با «افیون توده‌ها» بود، نیست که امروز خود را «کشتی نجات» ارزش‌های مذهبی معرفی می‌کند؟! (هرچند برخی در ایران با یادآوری این‌که مارکس در اواخر عمر خود به کلیسا می‌رفت، مقصود او از «دین افیون توده‌هاست» را یک اشتباه در فهم دقیق منظور او می‌دانند).

می‌دانیم که روسیه کنونی با بسیاری از مظاهر تمدن غرب مانند همجنسگرایی و تباهی اخلاقی ضدیت شدید دارد و حتی رهبران مسکو بارها از اعتیاد غالب مردان کشور به الکل به عنوان یک ویرانی بزرگ یاد کرده‌اند، ولی آیا رجز دینی، مذهبی و ژئوپلیتیک پوتین در همان حدود اخلاقیات ارتدوکسی است یا ابزار جنگ قدرت در جهانی است که در اجلاس شنژن معلوم شد از تک‌قطبی به چندقطبی عبور کرده است؟ و آیا می‌توان مدعی بود این چرخش روسیه پاسخی عمل‌گرایانه به خلأ ایدئولوژیک پس از کمونیسم و ابزار بازسازی مشروعیت و قدرت در دورانی است که غرب جنگ اوکراین را به یک نبرد تمدنی تبدیل کرده است؟

قبل از تأیید یا رد این ادعا و نتیجه‌گیری مهمی که می‌توان دست‌کم برای جنگ غرب علیه ایران اسلامی کرد، لازم است صحبت‌های پوتین را مرور کنیم. پرسشگر از پوتین می‌پرسد «آیا روسیه می‌تواند کشتی نجات باشد؟» و پوتین می‌گوید: «می‌تواند. می‌تواند. دقیقاً». سپس این اطمینان را نه چونان یک باور مذهبی، بلکه همچون یک واقعیت تاریخی و معاصر توضیح می‌دهد: «و من الان با اطمینان این را به شما می‌گویم که روسیه کشتی نجات است، نه‌فقط به این دلیل که در اندیشه الهیاتی و فلسفی روسیه در طول قرن‌ها، یک ایده وجود داشته که چنین است: مسکو، روم سوم است، روم چهارمی در کار نخواهد بود».

پوتین سپس مثل یک ملای ارتدوکس کل تاریخ انتقال «مسیحیت واقعی» از روم اول (کاتولیک) به روم دوم (بیزانس) را تبیین می‌کند، و در پایان: «در این معنا، مسکو به روم سوم تبدیل شد، یعنی حافظ معنوی این مقدسات، این میراث. اما مسئله حتی در این اندیشه الهیاتی یا فلسفی نیست... مسئله در امروز است. امروز مواردی از مهاجرت مردم از اروپا به کشور ما وجود دارد. وقتی با این افراد صحبت کردم، آنها گفتند که دلیل اصلی آمدن به روسیه، تمایل به حفظ ارزش‌ها، حفظ خانواده و تضمین آینده فرزندان‌شان بود، که به نظر آنها باید حق داشته باشند در چارچوب ارزش‌های سنتی مذهبی رشد کنند و تربیت شوند. در روسیه، چهار دین سنتی وجود دارد: بودیسم، یهودیت، اسلام، ارتدوکس. نمایندگان همه این گرایش‌ها، همه این ادیان، با هم توسعه می‌یابند... اکنون در جوامع غربی، شاهد مبارزه برای حقوق بشر مرتبط با اقلیت‌های مختلف هستیم. آیا چیز جدیدی در اینجا وجود دارد؟ هیچ‌چیز جدیدی نیست، همه این‌ها تکرار می‌شود... فقط اکنون گروه‌های خاصی شروع به رفتار تهاجمی‌تر کرده‌اند... ما اتفاقاً، هیچ‌کس را در هیچ چیز محدود نمی‌کنیم. اما ایده کلیسای ارتدوکس روسیه، که پاتریارک [اسقف روسیه] علناً همیشه درباره آن صحبت می‌کند، و در واقع سیاست دولت روسیه، حفظ انسان، معنویت او و مهم‌تر از همه، اجازه دهید بگویم، حفظ بیولوژیکی انسان است... و در این معنا، البته، روسیه و ارتدوکس می‌توانند نقش آن کشتی نجاتی را که شما گفتید، ایفا کنند». حالا پاتریارک کریل چه گفته؟ روسیه را «حریف معنوی تمدن غرب» نامیده است و پوتین را رهبر ارتدوکس و حکومت او را نتیجه‌ی دعای قدیسان خوانده است. کریل و کلیسای ارتدوکس روسیه، غرب لیبرال را نماینده «سکولاریسم ستیزه‌جو» و «تباهی اخلاقی» می‌دانند. واتیکان هم بخشی از این تمدن غربی و مانعی برای هژمونی مسکو تلقی می‌شود.

واضح است که پوتین با این سخنان می‌خواهد روسیه را یک مرکز تمدنی معرفی کند. مگر چینی‌ها چنین چیزی را نمی‌خواهند و نخواستند؟ مگر ترامپ هر روز چنین ادعایی نمی‌کند؟ فهم او فقط در حد قمارباز هاست، و مانند پوتین توان الهیاتی سخن گفتن را ندارد.

روسیه پس از فروپاشی شوروی با یک خلأ ایدئولوژیک روبه‌رو شد که هنوز هم پر کردن آن ادامه دارد. کمونیسم فروپاشید، اما جایگزین آن نه لیبرالیسم غربی بود و نه یک ایده ملی منسجم [برخلاف چینی‌ها!]. دهه ۱۹۹۰ در حافظه جمعی روسیه با بحران اقتصادی، ضعف دولت و تحقیر ملی گره خورده است. اخیراً با یکی از مسئولان صاحب‌نظر کشور گفت‌وگویی کوتاه داشتم. بحث بر سر «قدرت حکمرانی و سرعت توسعه در چین» شد و او برای تبیین بهتر مقایسه‌ای کرد میان اوضاع چین در گذر از بحران اقتصادی با روسیه‌ی بعد از فروپاشی شوروی و آن «صف‌های طولانی برای گرفتن یک تکه نان»! و این‌که پوتین قدرت خود را بر نفی آن دوره بنا کرد.

اما نفی به‌تنهایی ایدئولوژی نمی‌سازد. در چنین وضعیتی، کلیسای ارتدوکس روسیه به‌تدریج جای خالی حزب کمونیست را پر کرد، نه لزوماً چونان ایمان قلبی رهبران، بلکه مانند ستون ایدئولوژیک و نهادی قدرت.

در تبادل قدرت کرملین و کلیسا به قدرت کرملین مشروعیت مذهبی و تقدس داده شد. روسیه همان آغاز جنگ اوکراین آن را یک «جنگ مقدس» و «وجودی و تمدنی» توصیف کرد. کریل حتی زرادخانه هسته‌ای روسیه را به دعای قدیسان و لطف خدا نسبت داد. این تعریف‌ها ساده به میان نیامده است. روشن است که پوتین وقتی از «روم سوم» حرف می‌زند، دنبال تعریف دشمن تمدنی است، چون طرف‌های مقابل هم جنگ تمدنی به راه انداخته‌اند. امریکایی‌ها هنوز هم مردم خودشان را از کمونیسم می‌ترسانند. وقتی چارلی چاپلین را از امریکا تبعید کردند، بهانه این بود که چاپلین زنش را رها کرده و یک دختر نوجوان را به زنی گرفته است (آن زمان این کارها در امریکا تابو بود!) ولی مستند «چاپلین واقعی» یک نکته را روشن می‌کند: دلیل پنهان نیز این بود که چاپلین کمونیست است! تبعید چاپلین ۷۴ سال پیش بود، هنوز هم ترس از کمونیسم؟! بله، حتی جمهوریخواهان در شکست اخیر گفتند «مبارک باشه! کمونیسم در حال بازگشت است!» روس‌ها نیز غرب لیبرال را «دشمن معنوی و منحط» می‌دانند. و باید خوشحال بود که امریکایی‌ها در خلال جنگ چهل‌روزه و پس از آن، دست خود را که با «تمدن ایران» مشکل دارند، رو کردند، و فوکویاما توبه کرد که «دیگر خود را لیبرال دموکرات کلاسیک نمی‌دانم، سوسیال‌دموکرات شده‌ام»، وگرنه دانشجویان علوم سیاسی باید تا سال‌ها همان ایده‌های «پایان تاریخ با لیبرالیسم» را حفظ می‌کردند.

حالا آیا جنگ را تمدنی کرده‌اند یا واقعاً تمدنی است؟ هر دو! هر دوطرف (یا چندطرف) می‌دانند که این جنگ طولانی است، پس هرطرف بر ارزش‌های خود که تمدنی، مذهبی و مقدس است پای می‌فشارد.

فایده‌ی این تحلیل و نگاه به جنگ تمدن‌های روسی، چینی و غرب لیبرال برای فهم «جنگ تمدنی غرب علیه ایران» چیست؟ بسیاری تصور می‌کنند جنگ‌ها با گذشت زمان و افزایش هزینه‌ها، بالطبع به صلح می‌رسند. تجربه جنگ اوکراین خلاف این را نشان داد. جنگ‌ها ایدئولوژیک‌تر و تمدنی‌تر شده‌اند. وقتی جنگ بر سر منافع است، منافع را می‌شود تقسیم و مبادله کرد ولی وقتی جنگ بر سر «خیر و شر» و مسئله‌ای تمدنی می‌شود، سخت به صلح می‌رسد یا اصلاً صلح پایداری نخواهد بود.

بنابراین، سخت‌ترشدن جنگ‌ها به دلیل کمبود صلح‌طلبی (چنان‌که روشنفکر ایرانی گمان می‌برد) نیست، به دلیل تغییر ماهیت جنگ است. ترامپ خودش را فرستاده‌ی خدا همچون مسیح برای نجات امریکا می‌نامد و کشیش‌ها در اتاق بیضی جمع می‌شوند و دست بر شانه‌ی او برایش دعا می‌کنند. او پنهان و آشکار، علاوه‌بر چین‌هراسی و روس‌هراسی مرسوم امریکایی‌ها، هم اسلام‌هراسی می‌کند و هم به شکلی عجیب ایران‌هراسی. پس دیگر نمی‌تواند از جنگ عقب بنشیند، مگر آنکه کل روایت خود را فروبریزد. حالا در ایران عده‌ای مرتب می‌گویند «باید هرطور شده به جنگ خاتمه داد». ای ساده! با چه کسی هستی؟! رهبران قدرت‌ها و تمدن‌ها جنگ را تانابودی کامل یکدیگر و به‌ویژه قدرت‌های نوظهور که بر پایه‌ی تمدن‌های قدیمی (ایران و اسلام) هستند، بسته‌اند و فقط تاکتیک‌ها را مرور می‌کنند، بعد شما دنبال مقصر «نه جنگ نه صلح» در خود ایران می‌گردید؟!

وقتی جنگ، تمدنی است، «صلح» یک «خطای مقوله» است. رهبر شهید وقتی هشدار دادند که امریکا از ما «تسلیم» می‌خواهد، این را خوب تبیین کردند. «صلح» در چارچوب جنگ منفعتی یعنی توافق و مبادله، ولی در چارچوب جنگ تمدنی یعنی «تسلیم یک روایت».

بسیاری از کسانی که در ایران فریاد «صلح، صلح» سر می‌دهند، صلح را یک «وضعیت» می‌بینند که می‌توان با اراده‌ی سیاسی و امتیازدادن به آن رسید. اما صلح در جنگ تمدنی نتیجه‌ی روشن‌شدن تکلیف آن روایت تمدنی است. تا وقتی طرف مقابل جنگ را بر سر «خیر و شر» تعریف می‌کند، صلح در قاموس او به معنای «تسلیم طرف شر» است، نه «توافق دوطرف».

اگر ترامپ می‌گوید «نفت ایران را می‌خواهم»، این به معنای جنگ منفعتی (غیرتمدنی) نیست. دقیقاً جنگ، تمدنی است ولی با تاکتیک غارت نفت. این را هم رهبر شهید به‌خوبی در آخرین سخنرانی‌ها تبیین کردند.

چرا ترامپ نمی‌تواند با ایران یک مذاکره «برد-برد» کند و جنگ را پایان دهد؟ چون در جنگ تمدنی، هزینه‌ی صلح که فروپاشی روایت خود است، بسیار بیشتر از هزینه‌ی جنگ یعنی تلفات و تحریم است. به همین دلیل است که ترامپ می‌تواند جنگ را ادامه دهد، ولی نمی‌تواند یک «عقب‌نشینی» را هضم کند!

در جنگ تمدنی، متجاوز اگر زود کنار بکشد، یعنی پذیرفتن تجاوز. پس «فرستاده‌ی خدا برای نجات امریکا» وسوسه صلح ندارد، و جنگ را فضیلت خود می‌داند. صهیونیست‌ها نیز همین تعابیر را در یک‌سال گذشته بارها تکرار کردند.

«روم سوم» و «کشتی نجات» پوتین، «مسیح امریکا»ی ترامپ، و «سرعت توسعه»ی ساکت چینی‌ها (آن فرد صاحب‌نظر می‌گفت چینی‌ها می‌گویند ما تکامل‌یافته‌ترین نوع بشر در نگاه داروینی هستیم!)، همه پیامی واحد دارد که جنگ امروز، جنگ بر سر خاک و نفت و بازار نیست، جنگ بر سر «روایت» است. روبیو را دیدید که چه روایتی از تاریخ تمدن ایران و روم داشت؟! روایت را نمی‌توان با آتش‌بس، با امتیاز، یا با صلح آسان خرید. کسانی که در ایران «صلح، صلح» می‌کنند، در واقع از یک پارادایم دیگر حرف می‌زنند که در آن جنگ، دعوای کودکان است که زود آشتی می‌کنند، ولی جنگ تمدن‌ها دنبال «تسلیم» است. تسلیم شدی؟ چه بهتر! نشدی، با زور تسلیمت می‌کنند!

پوتین خودش می‌گوید «روم سوم» را برای «امروز» زنده کرده است. درس امروز برای ایران را نباید ساده گرفت. در منازعه‌ای که طرف مقابل آن را تمدنی و وجودی می‌داند، «صلح» به معنای توافق و مبادله‌ی منافع، ناممکن است. آنچه ممکن می‌شود «مقاومت معنادار» است. مقاومت نیز فقط وقتی معنا پیدا می‌کند که خودت روایتی تمدنی و مقدس داشته باشی که بتواند در برابر روایت طرف مقابل، پیروزی و مقاومت را تعریف کند. وگرنه «صلح» در دست کسی که روایت ندارد، فقط نام دیگری برای «تسلیم» است.



پدر فلسفه علم ایران به رحمت ایزدی پیوست

■ پروفسور مهدی گلشنی، عضو پیوسته فرهنگستان علوم و بنیان‌گذار گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف روز گذشته در ۸۸ سالگی دارفانی را وداع گفت و به رحمت ایزدی پیوست. مرحوم گلشنی، برگزیده همایش چهره‌های ماندگار در عرصه فیزیک و برنده کتاب سال جمهوری اسلامی ایران بود | صفحه ۳

یادداشت بین‌الملل

حنیف غفاری

مختصات نقطه‌شکست در کاخ سفید

جامعه امریکا دیگر کشش هزینه‌های سرسام‌آور تقابل با جمهوری اسلامی ایران را ندارد و این فرسودگی، سرآغاز موجی از هرج‌ومرج داخلی و بی‌ثباتی‌های دامنه‌دار در ایالات متحده است | صفحه ۱۱

یادداشت سیاسی

حمیدرضا شاه‌نظری

بسیج اراده برخاسته از جان یک ملت

بسیجی بودن، پیش از آنکه به عضویت در یک تشکیلات وابسته باشد، به نوع نگاه و شیوه زیستن بازمی‌گردد، یعنی هرکس در جایگاه خود، باری از دوش مردم بردارد. گاهی آغاز این راه، پرسشی ساده اما سرنوشت‌ساز است: «من برای مردم چه کرده‌ام؟» کسی که این پرسش را جدی می‌گیرد، دیگر تماشاگر نیست؛ به بخشی از راه‌حل تبدیل می‌شود | صفحه ۲

خط و نشان پزشکیان برای شرکت‌های زیان‌ده

● بهناز قاسمی | خبرنگار گروه اقتصادی

■ بعد از دستور مجدد رئیس دستگاه قضا مبنی بر پیگیری و اعلام وضعیت شرکت‌های زیان‌ده دولتی، رئیس‌جمهور نیز نسبت به تداوم فعالیت شرکت‌های زیان‌ده دولتی و تخصیص بودجه به این شرکت‌ها موضع‌گیری کرد و گفت: مجموعه‌ای از شرکت‌ها داریم که بخش عمده‌اش متعلق به بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان تأمین اجتماعی، دولت و صندوق‌های بازنشستگی هستند و برخی از این شرکت‌ها زیان‌ده هستند | صفحه ۴

مدیریت فاطمه(س) در برابر سیر پرحجم حوادث حیرت‌انگیز است

● جواد محرمی

گفت‌وگوی «جوان» با مرضیه محمدزاده نویسنده کتاب «فاطمه(س) شکوه جمال الهی»
صفحه ۶

